



## تفسیر متفاوت علامه حلی از یک آیه / جنگ‌ها در گذشته منبع درآمد بود

حجت‌الاسلام میرمحمدی ضمن اشاره به مبانی حقوق بین‌الملل در اندیشه‌های علامه حلی، بیان کرد:

حجت‌الاسلام میرمحمدی ضمن اشاره به مبانی حقوق بین‌الملل در اندیشه‌های علامه حلی، بیان کرد: ایشان می‌گویند که منظور از «وَهُمْ صَاغِرُونَ» تبعیت از مقررات حکومت اسلامی است، یعنی با مشرکان طوری رفتار کنند که مقررات نزد آنان محترم باشد و مطیع باشند.

به گزارش ایگنا، پنجمین نشست از سلسله مباحث مبادی و مبانی دین و حقوق بین‌الملل با عنوان «دیدگاه‌های علامه حلی و حقوق ملل» عصر امروز بیست و هشتم اردیبهشت با سخنرانی حجت‌الاسلام و المسلمین میرمحمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید، برگزار شد که خلاصه آن را در ادامه می‌خوانید؛

برای اینکه این بحث به جایی برسد اجازه می‌خواهم مطالبی را در چهار بخش عرض کنم. مطلب اول درباره زمانه علامه حلی است. دوره علامه حلی دوره حساسی از تاریخ اسلام است، حمله مغولان به کشورهای اسلامی از جمله ایران و عراق یکی از حوادث این دوره است. علامه حلی در حله زندگی و همانجا رشد کرد و از محضر پدرش بهره برد. در همان سال درگیری‌هایی میان مذاهب فقهی وجود داشت، حتی میان مسلمانان و غیرمسلمانان.

در آن هنگام علامه کتاب «منهاج الکرامة فی معرفة الامامة» را نوشت و در مقابل آن، ابن تیمیه کتاب «منهاج السنة النبویه» را نگاشت. علامه با ابن تیمیه معاصر بود که در میان علمای اهل سنت از نظر طرح دیدگاه‌های بین‌المللی قابل توجه بود. من با تاریخ میلادی مقایسه کردم و دیدم که علامه با توماس آکویناس معاصر بود. در خصوص اینکه آکویناس از آثار ابن سینا استفاده کرده تردیدی وجود ندارد، ولی مشخص نیست از آثار علامه هم استفاده کرده باشد یا خیر. بعید است که این دو به آثار یکدیگر مراجعه کرده باشند و سندی در دست نیست. همچنین بررسی کردم که راجع به علامه حلی در غرب تحقیقی انجام شده است یا نه و مفصل‌ترین تحقیق را اشمیتکه انجام داده است.

کتاب‌های فقهی علامه به چند طبقه تقسیم بندی می‌شود. سعی کردم کتاب «تذکره» را مرور کنم. تا جایی که من متوجه شدم تذکره آخرین کتاب فقهی علامه است. البته ایشان موفق نشدند کتاب را کامل کنند، ولی کتاب «الجهاد» در آن مجموعه آمده و شامل دویست و هفتاد مسئله است. قطعاً نمی‌توانیم به همه آنها پردازیم و شاید همه آنها در حوزه حقوق بین‌الملل نگیند ولی به برخی نکات کلیدی آن اشاره می‌کنم. ایشان در آخر کتاب الجهاد مرقوم فرمودند که این اثر در ۷۱۹ هجری نوشته شده که مقارن با قرن چهاردهم میلادی و مصادف با قرون وسطا در اروپاست. این طور نقل شده که در آن دوره به دلیل درگیری مغول، وحشت از حمله مغول در کشورهای اروپایی هم وجود داشت و بدین سبب ارتباطی بین جهان اسلام و غرب برقرار نبود. آن زمان حقوق بین‌الملل شکل نگرفته بود و کشورها مستقل اداره می‌شد.

علامه این کتاب را در هشت فصل تنظیم کرده است. باید توجه کرد آثار اولیه که در حقوق بین‌الملل نوشته شده با عنوان حقوق جنگ و صلح بود و طبیعی است که کتب فقهی هم ناظر به عناوین غالبی باشد که در آن زمان وجود داشت. فصل اول درباره وجوب جهاد، فصل دوم در مورد کیفیت جهاد و فصل سوم درباره امان است. کتاب الامان مرادف روایت و اجازه اقامت و مانند آن است. فصل چهارم، مفصل‌ترین فصل کتاب، درباره غنائم جنگی است. فصل پنجم، که شبیه‌ترین مباحث به حقوق بیگانگان و حقوق بشر به حساب می‌آید، شامل احکام اهل ذمه است. مباحثی مانند تابعیت، وضعیت رفت و آمد سفرا و نمایندگان در این بخش بررسی شده اند و مالیاتی که باید اتباع بیگانه، ذمیان، پردازند و نیز راجع به قرارداد متارکه جنگ به تفصیل بحث شده است.

همچنین در خصوص تغییر دین و مذهب اتباع و افراد مقیم در کشورهای اسلامی و نیز راجع به وفا به معاهدات و فسخ آن هم بحث شده است. مبحث دیگری که به احکام اهل ذمه اختصاص دارد، قواعد حل و فصل اختلافات است که شاید با مفهوم قانون حاکم قابل تعقیب و پیگیری باشد. فصل ششم راجع به مخاصمات داخلی و فصل هفتم درباره امر به معروف و نهی از منکر است که به موضوع ترافع بیگانگان نزد حاکم اسلامی اشاره می‌کند. آخرین بحث هم راجع به رابطه و دیدبانی و مرزبانی و محافظت از سرزمین‌های اسلامی است. وقتی این فصول نه گانه را با کتاب شیبانی تطبیق دادم، متوجه شدم که عمده مباحث کتاب پوشش داده شده است.

محدودیت زمانی و مکانی جنگ

علامه به محدودیت زمانی و مکانی در جنگ اشاره می کند و به تعبیر امروزی جنگ نامحدود نیست. این نشان می دهد که محدودیت جنگ از نظر زمان و مکان در نظر اندیشمندان مسلمان مطرح بود. در مسئله بعدی تعبیری دارند که هر سال باید یکبار عملیات جنگی اتفاق بیفتد. این مطلب را بسیاری از فقها بیان کردند، ولی اینجا قیدی وجود دارد و آن اینکه اگر تعداد مسلمانان اندک باشد یا نیاز به مساعدت دیگر قوا یا رسیدن کمک از جای دیگر یا مصلحت در ترک قتال باشد، می توان از طریق مهادنه، قتال را تعطیل کرد؛ همانطور که پیامبر(ص) این کار را کرد و با صلح حدیبیه ده سال قتال را ترک کرد. هدف از جنگ این است که دشمنان هوای درگیری با مسلمانان را نداشته باشند.

امروز مانور نظامی همین کار را می کند و نوعی قدرت نمایی است؛ لذا از مفهوم لزوم جهاد در هر سال، لزوم مانور استفاده می شود تا جنگ و قتال به قصد تصاحب سرزمین. در مسئله بعدی جهاد را به جهاد کفایی و عینی تقسیم و اشاره می کند که جهاد بر فرض واجب عینی بودن در جایی است که به سرزمین اسلامی حمله شده باشد، ولی جهاد دعوت جهاد کفایی است. بعد تصریح می کند که این جهاد به گونه ای سازماندهی شود که معیشت مردم معطل نماند. گویا جنگ ها در گذشته منشأ درآمد بود. یکی از موارد جالب، تفسیر ایشان درباره این آیه است: «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ»؛ کارزار کنید تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند» و می گوید منظور از «وَهُمْ صَاغِرُونَ» تبعیت از مقررات اسلامی است، یعنی مشرکان طوری رفتار کنند که مقررات نزدشان محترم باشد و مطیع آن باشند.